



مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی منتشر کرد:

رشد اقتصادی نوآوری محور

مرکز سی.اس.آی.اس و مؤسسه آر.تی.آی اینترنشنال که در پاییز سال ۲۰۱۶ آغاز به کار کردند، به منظور ایجاد اقتصادهای مبتنی بر نوآوری و فناوری شروع به بررسی چالش‌های کنونی موجود در کشورهای در حال توسعه نمودند.

دانیل راند (.)، چارلز رایس () و ارول یایباک () در گزارش رشد اقتصادی نوآوری محور؛ متحول کردن اقتصادهای در حال توسعه فردا از طریق فناوری و نوآوری به ایجاد رشد اقتصادی مبتنی بر نوآوری و فناوری پرداختند. در خلاصه مدیریتی این گزارش آمده است:

دنیا با جریانی از تغییرات و پیشرفت‌های فناوری مواجه است که اساساً در حال تغییر روابط بین افراد، اقتصادها و جامعه هستند. نوآوری‌هایی در زمینه‌های گوناگون از جمله ربات‌شناسی، ژنتیک، هوش مصنوعی، حسگرهای اینترنتی، و رایانش ابری هر کدام به صورت مجزا تحول آفرینند و به صورت جمعی در حال تغییر دادن دنیا هستند. کارشناس‌های سرتاسر دنیا عناوین و شرح‌های مختلفی را برای این پدیده انتخاب کرده‌اند: کلاوس شواب به آن انقلاب صنعتی چهارم می‌گوید؛ الک راس [۱] به صنایع آینده اشاره می‌کند؛ استیو کیس [۲] آن را موج سوم اینترنت می‌داند؛ و مارتین فورد [۳] در انتظار ظهور ربات‌ها است.

اگرچه دیدگاه این اندیشمندان نسبت به آینده کمی با هم فرق دارد، اما همه در این مورد توافق نظر دارند که مفروضات موجود و مدل‌های اقتصادی نیازمند تعدیل هستند. هم برای کشورهای توسعه یافته و هم برای کشورهای در حال توسعه، اقتصاد مبتنی بر نوآوری و فناوری ریسک‌ها و فرصت‌های چشمگیری در بر دارد. از یک طرف، این تغییر در بردارندهٔ پتانسیل افزایش رونق جهانی، کارایی، و کیفیت زندگی است. از طرف دیگر، این تغییر در صورتی که به خوبی مدیریت نشود می‌تواند شیوه‌های به کارگیری، راه‌های خروج از فقر، و ثبات در سراسر دنیا را متحول کند.

خبر خوب این است که جهان در حال توسعه نسبت به هر دوره‌ای از تاریخ، غنی‌تر و آزادتر و تواناتر است. مرکز ثقل طبقهٔ متوسط جهانی نوظهور در جاهایی مانند هندوستان و چین و جنوب شرقی آسیا و شرق آفریقا خواهد بود. تمرکز آیندهٔ توسعه و پیشرفت روی برنامهٔ نیازهای بنیادین انسان نخواهد بود؛ هرچند برخی از نیازهای حیاتی و مبرم انسان هنوز برآورده نشده‌اند. محقق ساختن امیدها و آرزوهای مربوط به این اقتصادهای در حال تغییر، مستلزم شکل‌های تازه‌ای از همکاری در سطحی فراتر از مساعدت خارجی سنتی خواهد بود. امروزه کشورهای در حال توسعه به دنبال شراکت در مبادله و سرمایه‌گذاری، آموزش و پرورش، و علم و فناوری هستند.

این یعنی ایجاد ظرفیت مشارکت در اقتصاد امروزی مبتنی بر نوآوری و فناوری و سود بردن از آن برای کشورهای در حال توسعه حیاتی خواهد بود. نمونه‌های سنتی توسعه متکی بر کشاورزی، کالا، و کارگر ارزان به عنوان بخشی از یک فرآیند افزایشی (تصادفی) برای ایجاد مهارت، ارتقا زنجیره ارزش‌های جهانی، و افزایش درآمد ملی بودند. اگرچه این نمونه‌ها اهمیت خود را حفظ خواهند کرد، پیوستن به اقتصاد دانش مستلزم مهارت‌ها و آموزش‌های جدیدی برای ایجاد یک نیروی کار امروزی، ارتباط با شبکه‌های دانش جهانی، و داشتن تمایل و توانایی در پذیرفتن تغییرات سریع است.

برای کشورهای در حال توسعه‌ای که می‌خواهند از دام درآمد متوسط فرار کنند [۴] و از فرصت‌های تازه موجود در اقتصاد جهانی در حال تغییر بهره ببرند، زمان نظر افکندن به آینده همین حالا است. بانک جهانی اخیراً تخمین زده است که تا دو سوم همه مشاغل موجود در کشورهای در حال توسعه در معرض ماشنی شدن هستند. همچنین مجمع جهانی اقتصاد نیز برآورد کرده که نزدیک به دو سوم دانش‌آموزان دبستانی فعلی در مشاغل و صنایعی به کار گرفته می‌شوند که در حال حاضر وجود ندارند. کشورهای در حال توسعه در واکنش به این فشارها به دنبال این هستند که مسیر اقتصادی و هم‌آمیزی صنعتی خود را از طریق نوآوری و فناوری تغییر دهند. امروزه نزدیک به نیمی از همه کشورهای در حال توسعه اقدام به عرضه استراتژی‌های علم و فناوری و نوآوری () ملی کرده‌اند، و در این مورد که نیازی نیست نوآوری و فناوری تنها حیطه اقتصادهای پیشرفته باشند، روز به روز اتفاق نظر بیشتر می‌شود. [۵] اما اشاعه این قابلیت مستلزم سیاست‌گذاری و نظارت خوب خواهد بود.

ایالات متحده می‌تواند (و باید) برای توسعه کشورهایی که می‌خواهند اقتصادشان را از طریق علم و فناوری و نوآوری متحول کنند، جایگاه خود را به عنوان همکار برگزیده استوار کند. این کشور دارایی‌های منحصر به فردی در اختیار دارد که می‌تواند برای کمک به کشورهای در حال توسعه در نیل به هدفشان ارائه کند: دانشگاه‌ها، پژوهش‌ها و شرکت‌های آمریکایی مایه حسرت تمام دنیا هستند. خیل عظیم محصلان خارجی و جوامع پراکنده در ایالت متحده نیز می‌توانند نقش رابط‌های طبیعی را در همکاری‌های آتی که به ایجاد پیوندهای دیپلماتیک و اقتصادی کمک می‌کنند، داشته باشند.

مشخصاً کمک به کشورهایی که به دنبال این گونه تحولات هستند و همکاری با آن‌ها به نفع آمریکا است. اقتصادهای نوظهور در آینده بازاری برای معاملات و سرمایه‌گذاری‌ها خواهند بود و ترویج رشد اقتصادی در کشورهای خارجی مشاغل و ثروت‌هایی در کشور خودمان ایجاد می‌کند. کمک به کشورهای در حال توسعه برای محقق کردن امیدها و آرزوهایشان به دوستی‌ها و اتحادها نیرو می‌بخشد و تقسیم بار مسئولیت‌ها و تولید کالاهای عمومی جهانی را تسهیل می‌کند. نوآوری حق انحصاری کشورهای ثروتمند نیست، و ما به مغزهای متفکر بیشتری از سرتاسر دنیا که بر حل چالش‌های جهانی مشترک ما تمرکز دارند، نیاز داریم.

آموزش، علم و فناوری بخش اعظم ارتباط ما با جهان در حال توسعه را تشکیل خواهد داد، و سیاست‌گذاران ایالات متحده باید در مورد اینکه این مسائل چگونه با منافع جهانی ما رابطه مستقیم دارد به درک عمیق‌تری دست یابند. ایالات متحده از طریق همکاری مؤثر می‌تواند کشورهای جدید را وارد نظام بین‌المللی آزاداندیش مبتنی بر مقررات کند. این

گونه قدرت نرم، ایجاد شبکه جهانی و راهبری تکنولوژیکی است که یک قرن آمریکایی دیگر را در پی خواهد داشت.

در مراحل حساس این برهه حیاتی توسعه اقتصادی و اجتماعی انسان، سی.اس.آی.اس و آر.تی.آی اینترنتشال یک همکاری پژوهشی به منظور بررسی روندهای جهانی، بهترین شیوه‌ها، و مسائل نوظهور پیرامون رشد اقتصادی مبتنی بر نوآوری و فناوری به وجود آوردند.

یافته‌های ارائه شده در این گزارش نشان می‌دهند که زمینه مشخصی برای تسریع و گسترش فرصت‌ها از طریق نوآوری و فناوری در سرتاسر دنیا وجود دارد. اگرچه ماهیت دقیق فرصت‌ها بر اساس محیط متغیر است (کنیا، مالزی، و گجرات هر کدام دیدگاه متفاوتی نسبت به آینده اقتصادی خود داشتند) در سراسر دنیا بینش‌ها و رویکردهای مشترکی برای ترویج رشد اقتصادی مبتنی بر نوآوری و فناوری وجود دارد. متحول کردن اقتصادهای در حال توسعه آینده از طریق فناوری و نوآوری لزوماً نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم نخواهد بود، بلکه مستلزم مداخله‌های ترغیب کننده، همکاری‌های مداوم، و چشم‌انداز بلندمدت است.

برای دریافت و مطالعه متن کامل این گزارش از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

لازم است ذکر شود مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و همچنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند و مندرجات این گزارش الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیست.

[۱].

[۲].

[۴]. بانک جهانی اعلام کرده است که: از دهه ۱۹۵۰، رشد سریع به تعدادی از کشورها امکان رسیدن به جایگاه درآمد متوسط را داده است؛ با این حال، تعداد خیلی کمی توانسته‌اند مراحل اضافی لازم برای تبدیل شدن به اقتصادهایی با درآمد بالا را طی کنند. به عبارت دیگر، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در وضعیتی گرفتار شده‌اند که به آن دام درآمد متوسط می‌گویند ... تعادل اقتصادی ثابت و کم‌رشدی که در آن استعدادها به هدر می‌روند و نوآوری راکد است.

[۵]. طی تحقیقات سی.اس.آی.اس مشخص شد که ۶۶ کشور از ۱۳۹ کشوری که بانک جهانی در دسته کشورهای دارای درآمد کم یا درآمد متوسط قرار داده، سیاست (علم، فناوری، نوآوری) دارند.